

یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

به لحاظ وسعت و استمرار، در تاریخ جنبش کارگری ایران کم نظیر است. این اعتلاء جنبش کارگری ایران، البته خلق الساعه پدید نیامده بلکه نتیجه سیر تکاملی مبارزه ای ست که به ویژه از نیمه دوم دهه گذشته برزمینه یک بحران اقتصادی و سیاسی شکل گرفته است. در واقعیت امر، محرک مادی و اقتصادی موج گسترده جنبش خودانگیخته کنونی کارگران ایران، بحران اقتصادی موجود است. در نتیجه تشدید این بحران که همراه با ورشکستگی تعداد زیادی از موسسات تولیدی بوده است، در طول چند سال گذشته، صدها هزار کارگر، کار خود را از دست داده و یا بلاتکلیف مانده اند. تعداد بیکاران هم اکنون برطبق برخی گزارشات رسمی از ۵ میلیون نیز متجاوز است. هزاران تن از کارگران کار-خانه های مختلف، به طور مداوم با معضل

در فاصله یک سالی که گذشت، از مه ۱۳۸۰ تا به امروز، طبقه کارگر ایران درگیر حاد ترین مبارزه طبقاتی بود. در این یکسال، کمتر روزی را می توان سراغ گرفت که کارگران در یک یا چند کارخانه و موسسه، به یکی از اشکال مبارزه علنی و رودر رو با سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها روی نیاورده باشند. اعتصابات پی در پی، تحصن ها، گردهم آییها، راهپیمایی ها، تظاهرات، بستن خیابان ها و جاده ها، نمونه هایی چند از اشکال متنوع مبارزه ای هستند که طبقه کارگر به آنها دست یازیده است. تنها در نشریه کار، ارگان سازمان ما، در طول این یک سال، اخبار متجاوز از صد مورد از مهم ترین اعتراضات و مبارزات کارگری انعکاس یافته است و این تنها بخشی از صدها مورد اعتراض و مبارزه کارگری ست که در یک سال گذشته در ایران رخ داده است. این موج مبارزه کارگری،

یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

به تعویق افتادن دستمزد و مزایا روبرو هستند. در برخی از موسسات تولیدی چندین ماه و در برخی متجاوز از یک سال است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. این انبوه کارگران با فقر و گرسنگی زندگی می کنند. وضعیت مادی و معیشتی میلیون ها کارگری که با معضل بیکاری و بلا تکلیفی روبرو نیستند نیز مداوما وخیم تر شده است. طبقه سرمایه دار به منظور انتقال بار بحران به دوش کارگران و کسب سود بیشتر، استثمار کارگران را تشدید کرده است. ساعات کار عملا افزایش و دستمزد واقعی کارگران کاهش یافته است. سطح دستمزد کارگران به حدی نازل است که جوابگوی حداقل معیشت لاقبل اکثریت بسیار عظیمی از کارگران نیست. در حالی که نرخ تورم مداوما افزایش می یابد، دستمزد واقعی کارگران سال به سال کاهش یافته است. در حالی که دولت در سالی که گذشت تنها مبلغ بسیار اندکی به حداقل دستمزد افزود، افزایش بهای نرخ کالاها و خدمات ۴۰ تا ۵۰ درصد بود. بهای گوشت مرغ ۴۵ درصد، تخم مرغ ۳۵ درصد، وسایل حمل و نقل شهری و بین شهری تا ۳۰ درصد، حبوبات ۲۵ درصد و برنج و پنیر ۱۲ درصد افزایش یافت. نتیجه این که طبقه کارگر هرچه بیشتر کار کرده و استثمار شده است، فقیرتر شده است. بر پایه این تشدید بحران اقتصادی و وخیم تر شدن شرایط مادی و معیشتی کارگران است که در چند سال اخیر، مبارزات خودانگیخته کارگران سال به سال وسعت و گسترش بیشتری به خود گرفته است. اما این مبارزات برغم این که حول مطالبات اقتصادی شکل گرفته و خودانگیختگی خصلت بارز آنها - ست، معهدا در بطن بحران سیاسی موجود معنا و مضمون دیگری یافته اند.

مبارزه کارگران حتی بر سر مطالبات صرفا اقتصادی دیگر به چار دیواری کار - خانه محدود نمی شود. مبارزه از سطح کارخانه به خیابانها و جاده ها کشیده شده است. کارگران بسیاری از کارخانه ها برای تحقق مطالبات خود، دیگر به اعتصاب اکتفا نمی کنند، بلکه در خیابان های شهرهای بزرگ به ویژه تهران و اصفهان راهپیمایی و تظاهرات می کنند، خیابانها و جاده ها را می بندند تا بدین طریق خواسته های خود را به گوش همگان برسانند. کارگران اکنون مقامات دولتی را و می دارند که بیایند و پاسخ مطالبات آنها را بدهند. اگر لازم شد ساختمان های دولتی را نیز اشغال می کنند، اگر لازم شد نرده های اطراف مجلس ارتجاع را هم از جای درمی آورند. در اغلب این مبارزات، با رویا - رویی کارگران و پلیس روبرو هستیم. کارگرانی که مبارزات خود را به سطح خیابانها کشیده اند، رودرویی دولت به عنوان نماینده کل طبقه سرمایه دار قرار می گیرند. لذا در اینجا با مبارزات صرفا

خود گرفته و بخش های گسترده تری از کار - گران به مبارزه ای علنی و مستقیم روی آورده اند و توام با آن رشد اتحاد و آگاهی در صفوف کارگران، همگی نشانی از این واقعیت اند که طبقه کارگر ایران به مرحله - ای نزدیک می شود که در ابعادی توده ای متشکل شود. شرایط این امر به لحاظ عینی بیش از پیش فراهم می شود. شکلی که این تشکل به خود خواهد گرفت البته جدا از تحول اوضاع سیاسی در ایران، سطح رشد آتی مبارزه طبقاتی، و موقعیت طبقه حاکم نخواهد بود. روند مبارزه طبقاتی، این مسئله را به شکلی عینی حل خواهد کرد. اما تا همین جا نیز، این مبارزه طبقاتی کارگران، طبقه سرمایه دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن را به تکاپو و - داشته است. تمام تلاش سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها خواه در درون حکومت اسلامی و خواه در خارج از آن، این است که به نحوی از انحاء این مبارزه را مهار کنند. آنها هنوز از سرکوب قهری استفاده می کنند و در آینده نیز خواهند کرد، اما منطبق بر سطح پیشرفت مبارزه طبقاتی، تاکتیک های جدیدی اتخاذ می کنند و شعارهای دیگری سر می دهند. معهدا در همه حال هدف آنها فریب کار - گران و مهار مبارزات آنهاست. بنابراین تعجب آور نخواهد بود که باندهایی حتی از درون هیئت حاکمه به یاد مقرری برای بیکاران بیافتند، شعار تشکل مستقل سر دهند و خود را مدافع رسمیت بخشیدن به اعتصاب معرفی کنند.

همین چند روز پیش بود که حزب اسلامی کار و خانه کارگر با تبلیغ و سر و صدا، طرح پرداخت مقرری به بیکاران را در مجلس ارتجاع مطرح کردند و البته دو خردادی های دیگر بی سر و صدا آنرا رد کردند و بایگانی نمودند. در اینجا هدف حزب اسلامی کار و خانه کارگر، دفاع از خواسته ها و منافع کارگران نبود، ماهیت این تشکلهای دولتی دیگر برکسی پوشیده نیست. هدف آنها در وهله اول توهم پراکنی در میان کارگران در مورد این تشکل ها و ثانیاً - تلاش برای پیدا کردن راهی به منظور سد کردن مبارزه کارگران و حفظ رژیم موجود است. مدتی - ست که گاه و بیگاه جناح دو خردادها شعار تشکل های مستقل را نیز مطرح می کنند، اما در حقیقت امر، آنها در تلاش اند که از این خواست کارگران در جهت تقویت موضع خود در حاکمیت استفاده کنند و تشکل های وابسته به خود را ایجاد کنند. آنها می کوشند در میان کارگران توهم پراکنی کنند و خود را مدافع تشکل های مستقل جابزنند و به نام تشکل مستقل، تشکل های وابسته به این جناح ایجاد کنند. طرح مسئله رسمیت یافتن اعتصاب هم از سوی گروههایی از این جناح، از زاویه به رسمیت شناختن حقوق طبقه کارگر نیست. آنها می بینند که کارگران ایران اعتصاب می کنند و برای برپایی این

اقتصادی روبرو نیستیم، این مبارزات خصلت سیاسی به خود گرفته اند. در چنین شرایطی است که کارگران در بسیاری از موارد توانسته اند سرمایه داران و دولت آنها را به عقب نشینی وادارند و مطالبات خود را به کرسی بنشانند. کشمکش میان کارگران و سرمایه داران بر سر تعطیلی برخی از کارخانه ها نمونه دیگری از توازن قوای طبقاتی در وضعیت سیاسی موجود است. سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها برای پیشبرد سیاست های اقتصادی خود، خواهان تعطیل برخی کارخانه ها و کاهش تعداد کارگران در برخی دیگر از کارخانه ها هستند. این به معنای اخراج دهها هزار کارگری ست که سال ها در این کار - خانه ها کار کرده اند. این سیاست را رفسنجانی در اوضاع دیگری پیش برد، بدون این که با جنبش های اعتراضی جدی روبرو گردد. اما امروز اوضاع متفاوت است. کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت آنها می ایستند و این امکان را به آنها نمی دهند که به میل خود کارگر را اخراج کنند. سرمایه داران، کارگران را تحت فشار مادی قرار می دهند، پرداخت دستمزدها را به تعویق می اندازند، تا دست از مقاومت بردارند، اما کارگران با مبارزه خود آنها را وامی دارند که ولو با تاخیر، دستمزدها را بپردازند و به هیچ وجه تسلیم سیاست بیکارسازی دولت و سرمایه داران نمی شوند. این سطح معینی از مبارزه طبقاتی کارگران در اوضاع سیاسی معینی ست که چنین امکانی را به آنها می دهد، والا در کشوری که دیکتاتوری عریان حاکم است، سرمایه داران به سادگی کارگران را اخراج می کردند. همانگونه که یک دهه پیش کردند. در بطن این مبارزه طبقاتی و بحران سیاسی موجود است که عنصر آگاهی در مبارزات خود انگیخته کارگری روز به روز تقویت شده است. تجلی این رشد آگاهی روز افزون را می توان به خوبی در رشاد اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران ایران دید. دیگر زمان آن گذشته است که کارگران کارخانه ها و موسسات از مطالبات و مبارزات یکدیگر بی خبر باشند و یا با بی تفاوتی از کنار آن بگذرند. در چند سال اخیر به ویژه در یک سال گذشته، جنبش کارگری نمونه های برجسته ای از رشاد اتحاد و همبستگی رابه نمایش گذاشت. حمایت های مادی و معنوی کارگران کار - خانه های مختلف از کارگران نساجی ها، بیان همین واقعیت است. اعتصاب کارگران برخی از کارخانه های نساجی به عنوان ابراز همبستگی با کارگران یک کارخانه دیگر و یا اعتصاب راهپیمایی و تظاهرات مشترک و هم زمان کارگران چند کار - خانه، نمونه های عالی از رشد اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران و رشد آگاهی طبقاتی آنهاست. اعتلاء روز افزون جنبش طبقاتی کارگران که مداوما وسعت بیشتری نیز به

یک سال نبرد طبقاتی کارگران ایران

صنفی خود مبارزه نکرده است، بلکه در عمل پیشتازی خود را در مبارزه برای درهم شکستن جو اختناق و کسب آزادی -های سیاسی نشان داده است.

با این سطح از پیشرفت مبارزه طبقاتی کارگران، چشم‌اندازهای نوینی درمبارزه نه فقط علیه رژیم جمهوری اسلامی بلکه علیه نظم اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری حاکم گشوده می شود.

درچنین شرایطی وظیفه ما کمونیستهاست که پیگیرانه از استقلال طبقاتی کارگران دفاع کنیم و علیه هرگونه توهم پراکنی - های بورژوازی و خرده بورژوازی که بخواهد مبارزه طبقاتی کارگران را به دایره مناسبات موجود محدود کند، مبارزه نماییم. ما باید براین حقیقت تاکید کنیم، تا زمانی که مبارزه طبقاتی کارگران به آن درجه از توسعه نرسیده است که طبقه کارگر تشکلهای توده‌ای خود را مستقلا ایجاد کند، ضرورت کمیته های مخفی یا هر نام دیگری که کارگران برآن می‌گذارند به جای خود باقی‌ست. تنها از طریق این تشکلهای کوچکتر و مخفی‌ست که درواضع کنونی، پیشروان کارگری می توانند در عین حال که از چشم رژیم پنهان می‌مانند، نقش خود را در رهبری مبارزات ایفاء کنند و زمانی هم که شرایط مساعدی برای ایجاد علنی تشکل های توده ای پدید آید، به سرعت به این تشکل ها شکل دهند، تنها مبارزه طبقاتی کارگران است که به این تشکل‌ها شکل خواهد داد.

اعتصابات هم نه از کسی اجازه می گیرند و نه به محدودیت ها و تهدید های رژیم توجه می کنند، حالا گروههایی از دوی خرد ادیهاوخانه کارگر می‌گویند، بیا بید این اعتصابات را قانونمند کنیم، و منظورشان از قانونمند کردن این است که دیگر اجازه ندهند کارگران هرگاه که اراده کردند اعتصاب کنند، بلکه برای یک اعتصاب مثلا ازخانه کارگر و دستگاه -های پلیسی و قضایی اجازه بگیرند. آنها بدین طریق در تلاش اند مبارزه کار - گران را مهار کنند. این واقعیتی‌ست روشن که آزادی یک کلیت است و تقسیم پذیر نیست. نمی شود در یک کشوری آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده زحمتکش مردم به رسمیت شناخته نشوند، ولی مثلث حق اعتصاب و تشکلهای کارگری به رسمیت شناخته شوند. تمام جناح‌ها و باند های هیئت حاکمه مخالف آزادیهای سیاسی برای توده مردم ایران هستند، لذا ادعایشان در مورد تشکل مستقل و اعتصاب هم جز یک عوامفریبی و تلاش برای مهار جنبش کارگری نیست. اما همین که آنها ناگزیرند حرف این مطالبات کار - گران را بزنند، بیان چیز دیگری جز بسط و توسعه مبارزه طبقاتی کارگران نیست. کارگران ایران، امروز تنها به اعتصاب در کارخانه ها اکتفا نمی کنند، آنها با راه - پیمایی و تظاهرات و گرد هم آیی در خیابانها، محدوده های قانونی رژیم را درهم شکسته اند. در اینجا طبقه کارگر ایران دیگر صرفا برای تحقق مطالبات

از صفحه ۵ سقوط آزاد سوسیال - دمکراسی و عروج فاشیسم در اروپای غربی با نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

مردم فلسطین را تروریستی توصیف نمود. دولت وی از دوجنگ در یوگسلاوی و افغانستان حمایت کرد و از گسیل نیروهای نظامی فرانسه به این مناطق غافل نشد.

بی‌جهت نبود که پیش از انتخابات ۲۱ آوریل، ۷۵٪ واجدین شرایط می‌گفتند که اختلافی بین برنامه‌های شیراک و ژوسپن نمی‌بینند! واقعیت هم همین بود. حتی خود ژوسپن در یکی از سخنرانی‌های پیش از انتخاباتی گفته بود: برنامه من سوسیالیستی نیست. واقعیت دیگر این است که سوسیال - دمکراسی عملاً خود را در جناح راست بورژوازی حل کرده است و به نام " واقع گرایی " و به ویژه واقع گرایی اقتصادی همان سیاست‌های جناح راست را اعمال می‌کند. شکست دولت ژوسپن بار دیگر نشان داد که سوسیال - دمکراسی تازمانی می‌تواند در جوامع سرمایه داری کارایی داشته باشد که اوضاع متعادل و نسبتاً آرام باشد. به محض این که بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اوج می‌گیرد، سوسیال - دمکراسی هم عقب می‌رود. در این جاست که در غیاب یک حزب کمونیست انقلابی در فرانسه، امروز، راست افراطی ابتکار عمل را به دست گرفت، ژان - ماری لوپن نئو - فاشیست پایه میدان گذاشت و با اعلام یک رشته برنامه‌های تماماً پوپولیستی گوی گوی رقابت انتخاباتی را از ژوسپن سوسیال - دمکرات ربود. لوپن نئو فاشیست که در شب پایان دور اول انتخابات ریاست جمهوری " همه ی نژادها " را به سوی خود فراخواند تا در دور دوم به او رای بدهند، در کارزار انتخاباتی اش گفته بود: " من از نظر اجتماعی چپ، از نظر اقتصادی راست و از نظر ملی فرانسوی هستم. " آیا می‌شد ساده تر از این گفت که " من یک ناسیونال - سوسیالیست (نازی) هستم " ! ؟ لوپن بی‌مهابا تقصیر تمام مصائب اجتماعی و اقتصادی را که ریشه در نظم پوسیده سرمایه داری دارند به گردن عوامل غیر واقعی می‌اندازد. وی می‌گوید که با اخراج مهاجران می‌توان مشکل بیکاری را حل کرد. او از نمود گرانش‌های اسلامی هم به نفع خود استفاده می‌کند و با فریاد به خطر افتادن مسیحیت خواهان بازگشت به اصطلاح ارزش - های مذهبی کاتولیک می‌شود. در این زمینه هم اتفاقی نبود که لوپن در سخنرانی که در پایان دور اول انتخابات ایراد کرد جملاتی از انجیل و پاپ را آورده بود.

اما دیگر هر بار که انتخاباتی در چارچوب دمکراسی بورژوازی برگزار می‌شود تعداد بیشتری از مردم فرانسه به بی‌سرانجامی آنها پی می‌برند. بی‌دلیل نبود که در همان شب ۲۱ آوریل و تا بامداد ۲۲ آوریل در چندین

شهر بزرگ فرانسه، هزاران نفر به طور خود جوش به خیابانها آمدند و علیه خطر فاشیسم و جبهه ملی آقای ژان - ماری لوپن شعار دادند. لازم به یادآوری است که در این شب هزاران نفر به طور نمادین میدان باستیل پاریس را تسخیر کرده و در میدان کنکورد که محل سربریدن محکومان باکیوتین بود با نیروهای پلیس درگیر شدند. این تظاهرات خود جوش در روزهای بعد هم ادامه یافت و دست کم روزی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در سطح فرانسه به خیابانها آمدند و علیه عروج فاشیسم در این کشور شعار دادند. اکنون تمام تلاش بورژوازی فرانسه بر این است که چنین الفاء کند که باز هم با انتخابات می‌توان در چارچوب نظم سرمایه داری کاری را به پیش برد. اما تجربه و واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که دیگر انتخابات در چارچوب نظم سرمایه داری کار ساز نیست. زیرا تمام دست‌آوردهای اجتماعی همین جوامع هم از درون مبارزه طبقاتی و اقدامات بزرگ توده ای که با جهت گیری واژگونی نظم سرمایه داری و مالکیت خصوصی انجام شده‌اند، حاصل گشته‌اند. بحرانهای عمیق نظم سرمایه داری، اکنون در زمینه‌های سیاسی هم بروز کرده و پس از افتضاح به قدرت رسیدن جرج بوش دوم بارای دادگاه - ها، اکنون انتخاب رئیس جمهور فرانسه هم به معضلی تبدیل شده است. امروز راست سنتی فرانسه با احزاب رنگارنگش و همچنین سوسیال - دمکراتها به همراه اقمارشان از قبیل حزب " کمونیست " فرانسه و حزب سبزها، می‌خواهند بارای دادن به ژاک شیراک از به قدرت رسیدن ژان - ماری لوپن جلوگیری کنند. برخی از چپ نماها هم رای‌های دور اول را در ترازو گذاشتند و می‌خواهند ثابت کنند که خیر عروج راست افراطی در فرانسه منشاء طبقاتی ندارد و چپ (از نظر آنان سوسیال - دمکراتها و اقمارشان) هنوز هم قدرتمند اند. باید گفت که این چپ نماهای توانایی تحلیل طبقاتی از اوضاع

رافراموش کرده‌اند یا بدان اعتقاد نداشته اند یا اصلاً نمی‌دانند که تحلیل طبقاتی از بحران سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه چیست. این چپ نماها هم، یک پارچه خواهان رای دادن به شیراک شده‌اند. اما از هم اکنون روشن است که شیراک هم بخش‌های بسیاری از سیاست - های لوپن را به مرحله عمل و اجرا خواهد گذاشت. زیرا شیراک از منظر بازی دمکراسی بورژوازی مجبور است که به نفر دوم پس از خودش توجه کند و در ثانی او از همین نفر دوم به عنوان شمشیر دامو - کلس استفاده خواهد کرد. مگر از هم اکنون شیراک نگفته‌است که می‌خواهد یک وزارت امنیت درست کند؟ مگر وی نگفته است که قانون ۳۵ ساعت کار در هفته را بازبینی خواهد کرد تا " هر که می‌خواهد بیشتر کار کند، بتواند " ؟ آیا تاکتیک رای دادن به شیراک نامی برای سد کردن راه بر لوپن نامی، می‌تواند تا ابد کار ساز باشد ؟ آیا با یک مسکن قلبی (شیراک) می‌تواند به نبرد سرطان (لوپن) رفت ؟ آیا کار - گران و زحمتکشان فرانسه که می‌بایستی بین بد و بدتر (ژوسپن و شیراک) یکی را انتخاب می‌کردند و امروز در مقابل انتخاب بین بد و بدترین (شیراک و لوپن) قرار گرفته اند خواهند توانست طرفی از این انتخاب ببندند؟ آیا مارکسیست - لنینیست - های فرانسه که از ده سال پیش بدین سو برای بنیان گذاری یک حزب کمونیست نوین و واقعا انقلابی تلاش می‌کنند موفق خواهند شد ؟ آیا همین کمونیست - های انقلابی فرانسه حق نداشتند که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری خواهان انداختن کارت قرمز به درون صندوق های رای شدند تا به همه ی نامزدهای " چپ " و راست بورژوازی اخطار داده شود؟ مبارزات طبقاتی آینده در فرانسه که از حدت و شدت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار خواهند بود، پاسخ این پرسش ها را خواهند داد. بحران سیاسی نظام سرمایه داری فرانسه با انتخاب شیراک پایان نخواهد یافت. این " انتخاب " سرآغاز جدیدی بر بحران - های ژرف تر دیگر خواهند بود.

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران چیت کرج

کارگران کارخانه چیت کرج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در تاریخ هفتم اردیبهشت دست به یک تجمع اعتراضی در خیابان بهشتی زدند و عبور و مرور در این خیابان را متوقف ساختند. کارگران خواهان پرداخت چندین ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند. نیروهای ضد شورش در محل حضور یافتند و کارگران را متفرق نمودند.

۳۷۷ تن از کارگران کارخانه قند شاهرود، اکنون تنها ۱۰۲ نفر، کارگردانی محسوب می‌شوند. ایرنا که این خبر را انتشار داد، افزود که رئیس اداره کار و امور اجتماعی شاهرود، از اظهار نظر در مورد وضعیت این کارگران، خودداری کرد و گفت مسئولان فرمانداری شاهرود وی را از هرگونه گفت و گوی منع کرده‌اند.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

اطلاعیه پایانی
دومین «نشست مشترک» نیروها و فعالین کمونیست و چپ

دومین «نشست مشترک» نیروها و فعالین کمونیست و چپ، در روزهای پایانی ماه مارس ۲۰۰۲ با حضور بیش از ۱۴۰ نفر از نمایندگان و اعضای نیروهای سیاسی و فعالین کمونیست و چپ تشکیل گردید و کار خود را با یک دقیقه سکوت به یاد همه جان باختگان سوسیالیسم و آزادی آغاز کرد.

ابتدا گزارش فعالیت ۶ ماهه «شورای هماهنگی نشست مشترک» اول ارائه گردید و پس از آن اجلاس با انتخاب هیئت رئیسه وارد دستورکار شد.

روند گفتگوهای «نشست مشترک» دوم نشان داد که علی رغم تدارک سیاسی این دوره که با انتشاره بولتن مباحثات، طرح و انتشار چندین پلاتفرم و ساختار تشکیلاتی دنبال شده است، مباحثات انجام گرفته از کفایت برخوردار نبوده و سطح توافقات شرکت کنندگان «نشست مشترک» هنوز با تدوین یک پلاتفرم سیاسی مشترک و تبیین ساختار تشکیلاتی متناسب با آن فاصله دارد و دور دیگری از مباحثه حول مضمون سیاسی و ساختار سازمانی مشترک ضروری است. در عین حال، همه شرکت کنندگان دومین «نشست مشترک» بر ضرورت جهت گیری این مباحثات در راستای جنبش کارگری - سوسیالیستی، و بردخالتهای مشترک از موضع منافع طبقه کارگر در مبارزات جاری تاکید کردند و مبنای زیر را تصویب کردند:

۱- «شورای هماهنگی منتخب نشست» با حرکت از این جهت گیری، سیاست خود را تنظیم می کند و تازمان تدوین و تصویب پلاتفرم و برنامه عمل سیاسی آینده، مبنای اتخاذ سیاست های خود را بر مبنای نشست مشترک اول، می داند.

۲- «نشست مشترک» نظر به ضرورت تداوم این مباحثات، انتشار منظم بولتن و جهت گیری بر حرکت مشترک و نیز طرح سیاست های روشن انقلابی از موضع جنبش مضمون سیاسی و ساختار درونی سوسیالیستی طبقه کارگر و تدوین مباحثات پلاتفرمی و اساسنامه ای را متناسب با روند تحولات اجتماعی و سیاسی ایران به عنوان مسائل اساسی مورد بحث می داند.

در این رابطه، سازماندهی جلسات بحث و سمینار و استفاده از همه امکانات رسانه ای موجود در دستور کار «شورای هماهنگی» است. «نشست مشترک» نظریه اهمیت تبیین معیارهای ساختاری «شورای هماهنگی» را موظف می سازد طرحی پیشنهادی در این زمینه تهیه و در بولتن مباحثات منتشر سازد و به «نشست مشترک» آینده ارائه دهد.

تنظیم رؤس یک آیین نامه درونی متناسب با نیاز واقعی و رابطه موثر با فعالین «نشست مشترک» نیز از دیگر وظایف «شورای هماهنگی» است.

۳- «نشست مشترک» با توجه به اهمیت دخالت سیاسی در مبارزات جاری و تحولات اجتماعی، بر اتخاذ موضع سازماندهی حرکت مبارزاتی تاکید می نماید و به ویژه «شورای هماهنگی» را موظف می سازد که ا مبارزات و مطالبات جنبش کارگری حمایت کند و کمیسیون کارگری را برای تدوین برنامه مشخصی در این زمینه فعال تر سازد.

۴- «نشست مشترک» مداخله در جنبش اجتماعی زنان ایران و دفاع از خواسته ها و مطالبات آنان در مقابل با نظام سرمایه داری مردسالاری و مذهبی حاکم را از وظایف خود می شناسد و در جهت تقویت موقعیت و مواضع زنان کارگر و زحماتش در جنبش توده های زنان تلاش خواهد کرد. در این راستا، بخشی از بولتن به مباحث این مبارزه اختصاص خواهد یافت.

۵- «نشست مشترک» دفاع از مبارزات انقلابی خلق های تحت ستم ایران، از جمله جنبش انقلابی مردم کردستان و دفاع از حق تعیین سرنوشت ملیت های ساکن ایران را از وظایف خود می شناسد.

۶- «نشست مشترک» از مبارزات توده های زحمت کش جامعه و مبارزات جوانان و دانش جویان پشتیبانی می کند.

۷- «نشست مشترک» بر مواضع پیشین خود مبنی بر دفاع از مبارزات کارگری در سراسر جهان و مبارزات انقلابی خلق های تحت ستم با امپریالیسم و سرمایه داری بین المللی تاکید می کند.

۸- متناسب با نیازهای واقعی پیشبرد مبارزات مشخص، کمیسیون های ویژه، از جمله: «کمیسیون کارگری»، «کمیسیون جوانان و غیره» به ابتکار نیروها و فعالین «نشست مشترک» شکل خواهد گرفت و بر نیازهای معین مبارزاتی متمرکز خواهد شد. «شورای هماهنگی» موظف است با امکان سازی و تنظیم ارتباطات، کمیسیون ها را پشتیبانی کند.

۹- «نشست مشترک» بررسی مسایل اساسی تدارک یک نشریه سیاسی و سازمانگر را برای تقویت مواضع انقلابی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، و پیشبرد مبارزه و مقابله ای سازمان یافته با تبلیغات گروه بندی های مختلف بورژوائی و فرمبستی، به شورای هماهنگی پیشنهاد می کند. در انتها، «شورای هماهنگی» تازهای برای پیشبرد وظایف و پیشنهادهای بالا انتخاب و تدارک نشست آینده به عهده آن گذاشته شد و «نشست مشترک» دوم نیروها و فعالین کمونیست و چپ، در میان احساسات گرم و رفیقانه شرکت کنندگان، با امید به پیروزی طبقه کارگر و با خواندن سرود انترناسیونال پایان یافت.

«نشست مشترک» دوم نیروها و فعالین کمونیست و چپ
۲۱ مارس ۲۰۰۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaians-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaians-minority.org



Organization Of Fedaians (Minority)

No.380 mei 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی